

حجت‌الاسلام محمد رضا بیابی نژاد

رسانه و الگوهای روابط خانواده

رایانه و اینترنت فضای جدید در برابر کاربران گسترده‌اند که به «واقعیت مجازی» شناخته می‌شود. جهان واقعی که در آن زندگی و ارتباطات طبیعی‌مان را برقرار می‌کنیم، جهانی عینی و محسوس است؛ سرما و گرمای آن را حس می‌کنیم و با افراد «حاضر» رابطه چهره به چهره و عاطفی برقرار می‌کنیم. این جهان، جغرافیای خاص و مرزهای دارد که ما را از همسایگان، کشورهای دیگر و فرهنگ‌های دیگر متمایز می‌سازد. ما در این جهان، به منزله عضوی از جامعه ملی، تابع مجموعه‌ای از مقررات و نظام‌های حقوقی، اخلاقی و اجتماعی هستیم. در برابر، جهان مجازی است، گرچه کاملاً ما را از واقعیت جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، جدانمی‌سازد؛ چند ویژگی مهم، آن را از جهان واقعی ممتاز می‌کند: نخست آنکه جغرافیا ندارد و مرزهای ملی، قومی و فرهنگی را درمی‌نوردد، دوم آنکه فضایی قابل‌دسترس فراروی همگان می‌شاید و مرزهای غایب و حاضر را درمی‌نوردد و بر این اساس می‌توان از هر نقطه با هر شخص غایبی ارتباط خطی، صوتی و تصویری برقرار کرد، سوم آنکه فضایی کاملاً تصنعی و ساختگی است، اما پدیده‌های این جهان مجازی به نوعی تکرار پدیده‌های جهان واقعی و تلاش برای ساخت واقعیت در فضای مجازی است و چهارم آنکه فضای مجازی فضایی سراسر نمایان است که رمزی شدن، رمز گذاری و رمز گشایی به صورت فرایند اصلی در آن جریان دارد. جهان مجازی جهان اعداد و کدهاست و مفاهیم و معانی بسبای از آن استنباط می‌شود.

در کنار آنچه گذشت، دو ویژگی دیگر، رسانه‌های جدید را از رسانه‌هایی چون مطبوعات و سینما متمایز کرده‌است؛ نخست، «در زمان بودن» به معنای از میان رفتن فاصله زمانی میان تولید و دریافت پیام و دوم، که به‌طور خاص در اینترنت مشاهده می‌شود، دوطرفه بودن ارتباط و فعال بودن آن است. این اثر تفاوت‌ها را بر حوزه ارتباطی می‌توان مشاهده کرد. در ارتباط‌هایی که شخص در فضای اینترنتی برقرار می‌کند، ویژگی‌های بنیادی مانند نام، جنسیت، قیافه و فرهنگ ممکن است جرح و تعدیل گردد یا یکسره نادیده گرفته‌شود. رسانه‌های نوین در عین حال که موجب پیدایی شکل‌های سریع‌تر از تباط داشته‌اند، مرزهای فرهنگی را نیز در نور دیده‌اند. از این‌رو، شاهد شکل‌گیری دو پدیده در ارتباط هستیم: نخست، شکل‌گیری ارتباطات شبکه‌ای در فضای مجازی که افرادی از طبقه‌ها، فرهنگ‌ها، جنسیت‌ها و ملیت‌های مختلف را حول یک موضوع به گونه‌ای رودکنز و لرزان کنار یکدیگر گرد می‌آورد و پس از پایان مأموریت، گروهی دیگر با موضوع کاری دیگر و با پیوندی سست و گذرا اما تأثیر گذار با یکدیگر شبکه‌ای جدید تشکیل می‌دهند. شاید گذار از فمینیسم شکلیاتی (NGO)یی به فمینیسم شبکه‌ای در دهه اخیر و تشکیل کمپین‌های مختلف یکی از نخستین تجربه‌های ارتباط گسترده شبکه‌ای در ایران باشد.

دوم، شکل‌گیری ارتباطات دوستانه با مشخصاتی جدید، که در این فضا گرچه امکان دوست‌یابی با شمار بیشتری از افراد وجود دارد، به دلیل غیر حضوری بودن، نمی‌توان ویژگی‌های شخصیتی طرف مقابل را در درستی شناسایی کرد و در فضای جدید، امکان اینکه افراد خود را به جای دیگری معرفی کنند یا کدهای اشتباه ارسال کنند، فراوان است. تأثیر این ویژگی به خصوص بر دختران آن است که شکست‌های بیشتری را در ارتباطات خود تجربه می‌کنند؛ به ویژه فضای مجازی در جایگاه ابزاری برای زمینه‌سازی ارتباط‌های پایدار و عمیق، مثل ازدواج و تشکیل خانواده یا رابطه عاشقانه درآمدت قرار گیرد.

پیامد دیگر توسعه ارتباطات مجازی آن است که انگیزه برقراری روابط حقیقی و همچنین توانمندی برقراری تعامل شخصی را کاهش می‌دهد. ارتباط شخصی را با تعامل فرا می‌گیرند. از این‌رو، انتظار داریم با شمار بیشتری از افراد منزوی که حوصله و توان برقراری ارتباط ندارند، روبه‌رو شویم. این موضوع، خود بر میزان نشاط طبیعی افراد و پویایی و نشاط جامعه تأثیر بی‌شمار دارد و به چنان که سلطان می‌گوید: «در یک جامعه سالم نشاط ناخالص ملی در مقایسه با تولید ناخالص ملی از اهمیت بیشتری برخوردار است». در فضای مجازی خیال پردازی جای عمل‌گرایی را می‌گیرد و سبب می‌شود فرزندن ما با ناگهی غیرواقع‌بینانه و ایدئالگویی وارد دنیای عینی شوند. برخی کارشناس معتقدند رفتن به فضای مجازی سبب می‌شود که بچه‌ها ارتباط با اشای حقیقی یعنی چنگل، کوه، حیوانات، تلاش و کوشش عینی و اموری از این دست را کمتر تجربه کنند. برخی دیگر نیز برآنند که ارتباط حقیقی به کاهش میزان خشونت و افزایش اشتراک مساعی و یکدلی کمک می‌کند، اما فضای مجازی موجب تعقیف این ویژگی‌ها می‌شود.

نکته درخور توجه دیگر، این است که به دلیل آنکه رسانه‌های جدید مرزها را در شکسته‌اند همگونی مورد نظر خود به این ارتباطات کمتر رعایت می‌شود و عرق ملی و حساسیت درباره حفظ میراث فرهنگی و ارزش‌ها کم می‌گردد. از این‌رو، مشاهده تحولات فرهنگی و ایدئولوژیک در سنل جوان دور از انتظار نیست؛ این احتمال با توجه به اینکه ایران از کشورهای است که میزان استفاده از فضای مجازی در آن، بیش از آنکه به انگیزه‌های علمی و پژوهشی صورت گیرد، جنبه سرگرمی به خود گرفته، بیشتر مورد انتظار است. حساسیت‌زدایی از ارتباط با بیگانگان از پیامدهای مصرف کالاهای فرهنگی مورد بحث است که البته آموزه‌های اسلامی درباره آن هشدار داده و کوشیده‌اند تا مرزهای ارتباط با بیگانگان را حتی در الگوهای سبک زندگی، پر رنگ نگه دارند. «امام صادق (ع) فرمودند: خداوند به یکی از پیامبرانش چنین وحی فرمود: به مؤمنان مگو لباس‌های چون لباس دشمنان مرا بپوشند؛ غذای دشمنان را نخورند و سبک‌های دشمنان را (در زندگی) به کار نگیرند که در این صورت مثل آنان در زمره دشمنان قرار خواهند گرفت».

تغییر در الگوی روابط خانوادگی نیز نکتته‌ای بااهمیت است. اشاعه کالاهای فرهنگی رسانه‌ها را به یکی از مهم‌ترین گروه‌های مرجع تبدیل و برای خانواده در انتقال ارزش‌های مورد نظر خود به نسل آتی تضمین ایجاد کرده‌است. از این‌رو، خانواده در عصر حاکمیت رسانه‌ها نتنها با بحران مقبولیت، بلکه با بحران مشروعیت روبه‌رو می‌شود و این خود بر کاهش انگیزه تربیتی والدین و یک‌سوی و بر عزت و احترام آنان از سوی دیگر تأثیر خواهد گذاشت؛ چنان‌که در روایات به «میان رفتن رحمت و دلسوزی بزرگ‌ترها و از میان رفتن حیای کوچک‌ترها» به منزله یکی از ویژگی‌های آن‌خرزال‌نما اشاره کرده‌اند.

خبرگونه‌ها

■ سازمان هواشناسی نسبت به وقوع رگبار و رعد و برق در ۱۵ استان و ورش باد شدید و احتمال رخداد توفان شن در ۱۰ استان هشدار داد.

■ رئیس کل دادگستری استان البرز در تشریح تأیید احکام متهمان پرونده شهادت شهید عجمیان گفت: پس از رسیدگی و صدور حکم محرم مجدّد، آرای صادره قطعیت یافت و بدین ترتیب «حمیدقره حسنیلو» به ۱۵سال حبس نفی بلند «رضاً آریا»، «حسین محمدی» و «مهدی محمدی» هر کدام به ۱۰ سال حبس نفی بلد محکوم شدند.

■ معاونت پرستاری وزارت بهداشت از صرفه‌جویی هزارو ۴۰۰ میلیارد تومانی هزینه‌های بستری بیماران به دلیل توسعه خود مراقبتی خبر داد.

■ رئیس کل دادگستری استان تهران به مدیران تمامی واحدهای قضایی مأموریت داد تا ظرف مدت ۲۰ روز فهرست متهمان و محکومان متواری را به‌طور روزآمد استخراج کنند و به منظور شناسایی و جلب کرد خود اختیارات بیشتری در اختیار دهند.

■ معاون ابتدایی وزیر آموزش و پرورش تأکید کرد: از سال آینده به بعد فقط کودکان شش سال تمامگی که قبل از مهر ماه متولد شده‌اند می‌توانند به کلاس اول ابتدایی بروند.

بنچ‌شنبه ۲ شهریور ۱۴۰۲ | ۷ صفر ۱۴۴۵

جامعه

سرویس اجتماعی ۰۶۰۸۵۲۲۰

ریشه طلاق‌ها در بیکاری و بی‌تعهدی اخلاقی است

رئیس فراکسیون مدیریت شهری: رشد ۱۶۲ درصدی طلاق طی دو دهه شاهدهی غیر قابل کتمان از ارتباط دومینووار معضلات اجتماعی از بیکاری و تأثیر فشارهای اقتصادی بر خانواده گرفته تا خشونت پنهان، بی‌تعهدی اخلاقی و فرهنگ خانواده‌هاست

یک زن و یک مرد در حال نگاه کردن به یکدیگر

خواستار مداخله دولت برای کنترل این آسیب‌ها شده‌اند، گفت: ۷۰درصد مردم نسبت به افزایش رشد نرخ اعتیاد و کودکان کار اعلام نگرانی کرده‌اند و بیش از ۵۰درصد آنان خواستار مداخله مستقیم دولت و مسئولان ذریبط برای کنترل آسیب‌های اجتماعی مذکور شده‌اند.»

■ عوامل مؤثر در رشد طلاق

به گفتهٔ این نماینده مجلس بر اساس پیمایش ملی خانواده در سال ۹۸ نیز پنج عامل اصلی طلاق «عدم وفاداری زوجین»، «فقرهای خشونت‌آمیز زوجین نسبت به یکدیگر»، «بیکاری همسر»، «تأثیر فشار های اقتصادی بر خانواده»، و «دخالت خانواده‌ها در زندگی زوجین» عنوان شده‌است. عواملی که دومینووار با هم در ارتباط هستند و در کنار هم معضلی به نام رشد طلاق در جامعه را ایجاد کرده‌اند، آنچنان که در بازه زمانی ۲۰ ساله – سال‌های ۷۵ تا – ۹۵ شاهد رشد ۱۶۲ درصدی طلاق بوده‌ایم و متأسفانه در یک دهه گذشته – ۱۳۹۰ – ۱۴۰۰ نیز نرخ طلاق متاهلان نیز رشد حدود ۲۰ درصدی داشته‌است، روندی که نشان‌دهنده وجه تمایز این آسیب با دیگر آسیب‌های اجتماعی است.

پیرهادی با بیان اینکه آسیب‌های اجتماعی به صورت مستقیم و غیرمستقیم در بازتولید آسیب‌های جدید یا افزایش رشد یک آسیب اجتماعی مؤثر هستند، افزود: «در نمونه واکاوی، زنجیره‌وار آسیب‌های اجتماعی را به اثبات می‌رساند و بر ضرورت توجه همه متولیان حوزه اجتماعی به مسئولیت‌ها و اهدافشان به صورت صدر صدی گواهی می‌دهد بررسی علل رشد طلاق در جامعه است.»

از نگاه وی بهبود دسترسی آحاد مردم به تسهیلات بانکی، کاهش فقر مطلق و فقر نسبی، کاهش فقر مسکن و افزایش حمایت از

سالمندان فاقد بیمه تأمین اجتماعی از جمله اقدامات مؤثر اساسی در کاهش آسیب‌های

اجتماعی است که در کمیسیون تلفیق برنامه هفتم هدف‌گذاری شده‌اند و امیدواریم در مدت زمان اجرای برنامه از توجه اجرایی لازم بهره‌مند شوئند.

■ راهکار تقویت امید اجتماعی

پیرهادی کاهش آسیب‌های اجتماعی را سبب تقویت امید اجتماعی در جامعه دانست و تأکید کرد: راهبرد اساسی دولت و مجلس در حوزه تقویت جامعه باید از طریق مدیریت آسیب‌های اجتماعی، کاهش نرخ فقر و تقویت امید و اعتماد اجتماعی صورت گیرد.»

وی ادامه داد: «بهبود دسترسی آحاد مردم به تسهیلات بانکی، کاهش فقر مطلق و فقر نسبی، کاهش فقر مسکن و افزایش حمایت از

سالمندان فاقد بیمه تأمین اجتماعی از جمله اقدامات مؤثر اساسی در کاهش آسیب‌های

اجتماعی است که در کمیسیون تلفیق برنامه هفتم هدف‌ گذاری شده‌اند و امیدواریم در مدت زمان اجرای برنامه از توجه اجرایی لازم بهره‌مند شوئند.»



بخشی از تحلیل آن را می‌توان به کاهش آمار از دواج نسبت داد. هجنانکه آمار ازدواج در سال ۱۴۰۱ نسبت به سال گذشته خود ۳درصدی داشته‌است و با کاهش آمار ازدواج، در سال ۱۴۰۰ آمار طلاق ۲۰۴ هزار و ۴۸۶ واقعه بوده و در سال ۱۴۰۱ به ۲۰۴ هزار و ۲۹۴ واقعه رسیده‌است و افزایش چندانی را تجربه نمی‌کند. با وجود این در نمای تور تور و در یک بازه ۲۰ساله می‌توان در یافت، آمار طلاق رشدی ۱۶۲ درصدی داشته‌ و از این منظر زنگ خطر آسیب‌های اجتماعی و فروپاشی نظام خانواده‌ها را به صدا در آورده‌است.

۱۶۲ درصد رشد طلاق طی دو دهه از زیر فرم

آسیب‌های اجتماعی را به صدا در آورده‌است. این آمار ی است که محسن پیرهادی، رئیس

فراکسیون مدیریت شهری ارائه کرده‌است.

■ نگرانی از فروپاشی خانواده

آمارهای منتشرشده توسط سازمان ثبت احوال نشان می‌دهد که در فصل بهار نزدیک به ۸۰ هزار مورد ازدواج و حدود ۲۸ هزار طلاق در کشور ثبت شده‌است. بر اساس همین آمار اتفاق کم‌سابقه‌ای در ایران رخ داده و در ۱۲ استان کشور به ازای هر دو ازدواج حداقل یک طلاق ثبت شده‌است. این در حالی است که مدیر کل دفتر بهره‌رنامه‌ریزی و توسعه جوانان وزارت ورزش و جوانان از توقف رشد طلاق در کشور خبر داده‌بود. خبری که البته

۲۸درصد رشد داشته‌است.»

■ واکنش آقای معاون

پیرو انتشار این گزارش‌ها بود که وحید یامین پور، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در صفحه توئیتر خود توضیحی در خصوص آمار طلاق ارائه داد و نوشت: «براساس شاخص عمومی طلاق و طلاق متاهلان، با وجود افزایش تعداد طلاق‌ها، میزان شیوع طلاق در ۱۰ سال گذشته در ایران تقریباً ثابت بوده‌است. براساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نرخ طلاق متاهلان به ازای هر هزار زن از سال ۹۲ تا ۱۴۰۰، بین ۹ تا ۹۱ متغیر بوده‌است.»

معاون امور جوانان در توئییت دیگری افزود: «بناکه متوسط سن طلاق در ایران ۹سال است. سنجدین ما آمار طلاق به از ازدواج معضلات اجتماعی از بیکاری و تأثیر فشارهای اقتصادی بر خانواده گرفته تا خشونت پنهان، بی‌تعهدی اخراقی و فرهنگ خانواده‌هاست.»

پیرهادی با بیان اینکه در نظرسنجی‌های انجام‌شده مردم اعتقاد، کودکان کار و طلاق امروز بوده‌است. یامین پور با انتشار جدول

جوانان

روزنامه جوان | شماره ۶۸۳۴

مسئولیت اجتماعی

حسین سروقامت

۹۳۰

«قرآن، کتابی است که فرامی‌برد انسان را تا دنیای تأمل و تدبیر و فهمیدن خلاق!»

«پیامبر اکرم: حقوق مستمندان در اموال توانگران است. پس هر کس گرسنه و برهنه بماند، مستول او، توانگراند!»

«امام علی: بدترین توشه‌ای که انسان آمی‌تواند! برای آخرت خود بفرستد، ظلم و تجاوز به حقوق مردم است.»

این فراز‌هایی است از نامه محمدرضا حکیمی، متفکر و نویسنده بزرگ ایرانی به «فیدل کاسترو» رهبر انقلاب کوبا!

استنادی که دغدغه عدالت و مسئولیت دارد، در سال ۱۳۸۱ نامه‌ای ۱۸ صفحه‌ای برای کاسترو نوشته، به مهم‌ترین مبانی اسلام اشاره می‌کند.

من نمی‌توانم کنجکاوی‌ام را درباره نامه‌ای که در آن از چنین موضوعات مهمی سخن گفته‌شده، پنهان کنم.

شما نیز اگر می‌خواهید بسته‌ای از مسئولانه‌ترین سخنان در باره قرآن، پیامبر و حضرت علی را یک‌جا مطالعه کنید، قدری در این نامه تأمل کنید!

ادبیات

محمد صادق عبدالهی

چرا انحلال سازمان

نهیض سوادآموزی روستا؟!

«بسوزند چوب درختان بی‌ر/سزا خود همین است مری بی‌ری را!»
(ناصر خسرو)

سرانجام ایده انحلال سازمان نهضت سوادآموزی در مجلس به بار نشست و با رأی کمیسیون تلفیق برنامه هفتم توسعه با همراهی دولت و موافقت حجت‌الاسلام قرائتی، انحلال نهضت سوادآموزی و واگذاری وظایف آن به معاونت ابتدایی تصویب شد و در صورت تصویب نهایی در صحن مجلس لازم‌الاجرا خواهد بود، اما چرانهضت باید منحل می‌شد؟ در ادامه به اختصار به دلایل این امر اشاره می‌شود:

۱) در فرمان تاریخی حضرت امام‌خمینی(ره) برای ریشه‌کنی بی‌سوادی که به تشکیل نهضت سوادآموزی انجامید، آمده بود:«لازم‌است وزارت آموزش و پرورش با تمام امکانات به یا خیزد و از قرطاس بازی و تشریفات اداری بریزد، برآردن و از بن بر کنبد.» این فرمان دارای چند مهم‌ پرهیز شوید و ریشه این نقض را از بن بر کنبد.» این فرمان دارای چند مهم‌ پرهیز از قرطاس بازی (کاغذبازی) و تشریفات اداری است. آسینی که دقیقاً امروز نهضت به آن دچار شده‌است؛ سازمانی غریض و طویل که ریاست آن در جایگاه معاون وزیر آموزش و پرورش است و به گفته ریاست فعلی بیش از ۳۰ هزار نفر نیروی انسانی شامل عامل دارد. نکته جالب که نوعی از تعارض منافع نیز به حساب می‌آید، آن است که حیات و بقای این سازمان در بند وجود همیشگی مسئله بی‌سوادی و ریشه‌کن‌نشدن بی‌سوادی است!

۲) عملکرد سازمان در ۴۰ سال گذشته نشان داده که به دلیل دوری از فرمان اسام(ره) و درگیری تشویقات افراد اداری، با عدم ارتباط ساختاری با معاونت‌های آموزشی وزارت‌تخله آموزش و پرورش همچنان در ریشه‌کنی بی‌سوادی ناموفق بوده‌است تا حدی که با وجود برگزاری جشن‌های ریشه‌کنی بی‌سوادی، مطابق آخرین سرشماری انجام‌شده در سال ۱۳۹۵ همچنان ۸ میلیون و ۷۹۵ هزارو ۵۵۲ نفر از جمعیت بالای شش سال بی‌سواد مطلق هستند.

۳) براساس سند (وی) ماده ۵۲ قانون برنامه چهارم توسعه سازمان نهضت

مکلف بوده بی‌سوادی افراد، گروه سنی زیر ۳ سال (به‌صرف رسانده،

اما پس از عدم توفیق این سازمان، دفتر رهبر انقلاب در نامه‌ای مورخ

۱۳۸۱/۱/۳۰ که اکنون در وب‌سایت سازمان قابل‌مشاهده است، در پاسخ به حجت‌الاسلام قرائتی در باب کسب تکلیف برای امداء کار نهضت

سوادآموزی، از تقریر رهبر معظم انقلاب گزارش می‌دهند: معطل‌ه در آنجا

مقرر فرموده‌اند که این سازمان حداقل تا پایان برنامه پنجم توسعه به کار

خود ادامه دهد، و پس از آن با ارزیابی وضع بی‌سوادی، نسبت به ادامه یا عدم

ادامه آن سازمان تصمیم‌گیری شود، اما باز هم با عدم موفقیت این سازمان

دفتر رهبری در ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ مجدده به نهضت اطلاع می‌دهد که رهبر معظم

انقلاب با تأکید بر ابلاغیه‌های سابق، مقرر فرموده‌اند نهضت سوادآموزی و

وزارت آموزش و پرورش مسئول به صفر رساندن بی‌سوادی تا پایان برنامه

پنجم توسعه و از وزارت خواسته‌اند حاکم‌کر طی سه ماه برنامه جدیدی را

برای ریشه‌کنی بی‌سوادی تا پایان برنامه پنجم، تدوین نماید. با همه اینها

همان‌گونه که آمد، سازمان نهضت سوادآموزی تاکنون موفق به ریشه‌کنی

بی‌سوادی نبوده‌است.

۴) در گزارش نهضت در ریشه‌کنی بی‌سوادی، بایستی به مشکلاتی در نظام آموزش و پرورش که این سازمان بدان دامن زده‌است، به‌ویژه در تأمین نیروی انسانی نیز اشاره کرد. فی‌المثل در اساسنامه این سازمان مصوب ۱۳۴۷/۳/۳ آمده‌است که معلمان نهضت پس از پنج سال سابقه کاری می‌توانند در صورت داشتن شرایطی به عنوان معلم رسمی آموزش و پرورش استخدام شوند که این مجرای برای ورود افراد بدون در نظر گرفتن صلاحیت‌های حرف‌های معلمی به آموزش و پرورش شده‌بود. در سال‌های اخیر نیز همواره بسیاری از آموزشیاران نهضت مطالبه استخدام را داشته‌اند که این افراد پس از استخدام، در پست‌های معلمی مشغول به خدمت می‌شوند و با‌خالی‌شدن جایگاه‌هاشان مجدداً افراد جدیدی برای آموزش‌یاری نهضت به کارگیری می‌شدند که باز پس از گذشت مدتی چرخه فوق و تکرار می‌کردند و عملاً آموزش و پرورش همواره با مطالبه تبدیل وضعیت آموزش‌یاران نهضت و ورود بی‌ضابطه آنان به جایگاه‌های معلمی مواجه بوده‌است.

۵) در حال حاضر آموزش و پرورش دارای بدنه‌ای بزرگ است که مدیریت در آن با سنگین و غیر چابک کرده‌است و موجب شده بالای ۹۰درصد از بودجه به پرداخت حقوق و دستمزد و اداره امور جاری اختصاص یابد. این وضعیت نیز مانند چابک‌سازی است و باید به انحلال سازمان‌هایی که دارای ساختارهای موازی در ستاه هستند، فکر کرد. طبیعی‌است که متولیان هر بخش به دلیل تعارض منافع، به این تغییرات تن نخواهند داد، اما آنها نیز باید با نگاه ملی، تعصبات دستگانه‌ی را کنار بگذارند. اما چرا معاونت ابتدایی بهترین گزینه برای برعهده گرفتن مأموریت‌های نهضت سوادآموزی است:

۱) در حال حاضر آموزش و پرورش خود را مکلف می‌داند که به جهت ارائه آموزش ابتدایی به کودکان لازم‌التعلیم در تمامی مناطقی که ولو یک دانش‌آموز حضور داشته‌باشد، معلمی را مأمور کند. بر همین اساس در برخی از استان‌های مدراسی زیر ۱۰ نفر و حتی مدراسی یکنفره وجود دارد که معلم دارند. اکنون می‌توان از همین ظرفیت‌های آموزش بزرگسالان هم استفاده کرد و با پرداخت اضافه‌کاری و حق‌الزحمه بیشتر به معلم مأمور شده وظیفه آموزش بزرگسالان بی‌سواد را برعهده آنان گذاشت و از کارگیری دو نیروی انسانی (آموزشیار نهضت در کنار معلم رسمی) جلوگیری کرد.

۲) بازماندگی و ترک تحصیل اصلی‌ترین مبادی افزایش جمعیت بی‌سوادی است، اما آموزش و پرورش کمتر خود را مکلف به جذب این گروه‌های داند و به‌جای ایجاد معاونتین وزارت‌تخله مدعی بوده‌کد تنها مکلف به ارائه آموزش هستند، تا جذب این کودکان از همین ظرفیت‌های آموزش با مأموریت به معاونت ابتدایی وزارت‌تخله در خصوص جذب بازمانگان و تیارکان از تحصیل اساس مسئولیت ساختاری خواهد کرد و نهضت سوادآموزی در بافت وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد.

مجموع این دلایل گویا آن بود که این رخ‌تی حاصل را باید هر چه سریع‌تر تعیین تکلیف کرد، به قول هوشنگ ابتهاج «نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست! اگر نه در رخ‌ت کسی نمی‌رنم‌د